

Extraction and analysis of the network of themes of financing seminaries in the statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution

Mahdi Roayaei

Doctoral student of economic sciences (Islamic economics orientation), Faculty of Social Sciences, Hoza Research Institute and University, Qom, Iran.
Email: mahdiroayaei@rihu.ac.ir

Seyyed Reza Hoseini

Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Hoza Research Institute and University, Qom, Iran.
Email: srhoseini@rihu.ac.ir

Hamidreza Maqsoodi

Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.
Email: hr.maghsoodi@qom.ac.ir

Ali Saeedi

Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran.
Email: a.saeedi@qom.ac.ir



Use your device to scan and read the article online

Citation Mahdi Roayaei, Seyyed Reza Hoseini, Hamidreza Maqsoodi, Ali Saeedi. [Extraction and analysis of the network of themes of financing seminaries in the statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (94): 117-159

 [10.22034/iec.2024.2025481.2732](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2025481.2732)

Received: 25 March 2024 , Accepted: 15 September 2024

Abstract

The growth and elevation of any civilization requires careful, comprehensive and forward-looking attention to the various dimensions and components of that civilization. In the meantime, the seminary, as one of the mega-organizations that has a critical place in the formation of Islamic civilization, is facing various strategic issues that must be managed in a way that enhances its leadership power. One of the most important and effective issues that has faced many challenges in recent years is the financing system. Therefore, it seems necessary to deal with the financing of seminaries in this era. In the meantime, one of the important topics that needs research and investigation is to deal with the principles and foundations of financing seminaries. Although extracting the principles and foundations of financing the seminary requires detailed jurisprudential, theological and philosophical researches, but in order to plan the correct financing system in the seminary, a short-cut solution can be used, which is the examination of the basics and principles based on the opinion of the imams of the revolution and the upper documents of the seminary. . Therefore, in the present research, using the method of thematic analysis, the statements of the Imam, the Supreme Leader, as well as the higher documents of the seminary were examined, and the network of their themes was extracted and analyzed in relation to the subject of the research. In this regard, a total of 751 basic themes appropriate to the subject were identified in all three sections, which led to the production of 80 organizing themes and 13 inclusive themes.

Keywords

Seminary, Hazrat Imam Khomeini (R.A.), supreme leader, top documents of the seminary, financing.





استخراج و تحلیل شبکه مضامین تأمین مالی حوزه‌های علمیه در

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) ^{۲۱}

مهدی رعایانی

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی)، دانشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
Email: mahdiroayaei@rihu.ac.ir

سیدرضا حسینی

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
Email: srhoseini@rihu.ac.ir

حمیدرضا مقصودی

استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: hr.maghsoodi@qom.ac.ir

علی سعیدی

استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران
Email: a.saeedi@qom.ac.ir



Citation Mahdi Roayaei, Seyyed Reza Hoseini, Hamidreza Maqsoodi, Ali Saeedi. [Extraction and analysis of the network of themes of financing seminaries in the statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMIA (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (94): 117-159
doi 10.22034/iec.2024.2025481.2732

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

لازمه رشد و اعتلای هر تمدن، توجه دقیق به ابعاد نهادهای پیشران آن تمدن است. سازمان روحانیت به عنوان پیشران انقلاب اسلامی از این قاعده مستثنا نبوده و لازم است تمامی وجوه مادی، معنوی، آموزشی و تربیتی آن خصوصاً مباحث اقتصادی و تأمین مالی به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که قدرت راهبری این نهاد را اعتلا بخشد. این در حالی است که تحولات کارکردی و گسترش نقش‌های روحانیت پس از انقلاب، منابع مالی سابق و نظامات آن را برای دوره جدید ناکارآمد کرده است. از این رو پرداختن به مباحث تأمین مالی حوزه‌های علمیه در عصر حاضر ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به درک عمیقی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از روح حاکم بر حوزه‌های علمیه و نحوه ارتباط آن با نظام اسلامی دارند، یکی از بهترین راهکارها برای طرح‌ریزی نظام تأمین مالی صحیح در حوزه علمیه و همچنین تبیین نحوه تعامل حوزه‌های علمیه با نظام و دولت اسلامی، تحلیل بیانات ایشان است. از این رو در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه مضامین بیانات ایشان در رابطه با موضوع پژوهش استخراج و تحلیل می‌گردد. در این

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول می‌باشد.

۲. این مقاله برگرفته از تحقیق کلانی است که در پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت در حال انجام است.



راستا ۳۶۲ مضمون پایه متناسب با موضوع شناسایی گردید که منجر به تولید ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده و پنج مضمون فراگیر شد که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از حمایت متقابل حوزه و نظام، حفظ استقلال حوزه، تأمین معیشت طلاب، ارتباط دوجانبه و تنگناگ حوزه و مردم و ایجاد و ارتقای نظام اداری و مدیریتی قوی. هر یک از مضامین فراگیر ابتدا به وسیله مضامین سازمان‌دهنده تبیین و سپس اقوال حضرت امام (ره)، مراجع و بزرگان حوزه و همچنین اسناد بالادستی به عنوان مؤید مضامین مستخرج ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی

حوزه علمیه، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تأمین مالی، تحلیل مضمون.

مقدمه

نهادهای علم و دانش به عنوان نهادهای پیشران و جهت‌دهنده جوامع، همواره مورد توجه علوم اجتماعی قرار گرفته‌اند. به واسطه نقش برجسته و ممتاز این نهادها در وضعیت کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... جوامع، مسائل و لوازم این نهادها اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کنند؛ از جمله عمده‌ترین این لوازم و مسائل، مسائل اقتصادی و تأمین مالی نهادهای علم و دانش است که حسب بسترهای تمدنی مختلف، پاسخ‌های اساسی خود را دریافت کرده است. تحلیل مسائل اقتصادی حوزه علمیه به عنوان یکی از مؤثرترین و ریشه‌دارترین نهادهای علم در طول تاریخ بشر می‌تواند برخی ویژگی‌ها و مختصات ماهوی این نهاد را آشکار کند. هرچند تربیت طلاب و اعزام مبلغ تقریباً از هجرت نبی مکرم اسلام (ص) و نهایتاً فتح مکه توسعه بیشتری پیدا کرد، اگر آغاز فرایند تربیت شاگرد و مبلغ دینی را از دوران امامت / امام صادق (ع) (۱۱۴ - ۱۴۸ ق) نیز بدانیم، بدین معناست که این فرایند حدود سیزده قرن ادامه داشته و با انواع مسائل مختلف اقتصادی از جمله تأمین مالی طلاب، دریافت وجوهات مردم، پشتیبانی مالی و تقویت شیعیان، مقابله با تهدیدها و محدودیت‌های حکومت‌ها و... مواجه بوده است.

منبع اصلی تأمین مالی حوزه‌ها از خمس مسلمانان است که به دستور

الهی برای تقویت دین مورد استفاده قرار می‌گیرد. وابسته بودن نظام مالی حوزه‌ها به وجوهات مردم دارای مزایایی است که متفکرانی امثال شهید مطهری به آنها اشاره کرده‌اند. وابسته نبودن به حکومت و ایجاد حریت فوق‌العاده در مقابل خطاهای حاکمیتی (فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی)، بسط ید مراجع و ولی امر در تقویت جریان‌های متنوع دینی و توجه به دین‌دارن و مردم از این موارد است؛ اما این نوع تعامل مالی و عدم استفاده از ظرفیت مالی حاکمیت معایی نیز دارد که کاهش حجم اعتبارات و به تبع محدود شدن دامنه تعریف رسالت‌های دینی در ایجاد فرصت برای توجه به افق‌های جهانی تبلیغ در مقایسه با شرایط اخذ بودجه‌های کلان دولتی، علی‌الخصوص با توجه به وجود انفال که در اختیار ولی جامعه قرار دارد، از این موارد است.

با آغاز انقلاب اسلامی و گسترش رسالت‌های علمی و عملی آن، بخش زیادی از بار انقلاب بر دوش حوزه‌های علمی قرار گرفت و طبعاً بخشی از بودجه‌های دولتی به منظور تحقق تکالیف انقلاب اسلامی به سوی این نهاد مقدس اختصاص یافت. این امر در عین ایجاد فرصت‌های ارزشمندی که پیش از این وجود نداشت، منجر به وابستگی وضعیت مالی برخی مؤسسات به نوسانات بودجه عمومی و فضای اقتصادی کشور شده است.

در کنار تمامی موارد فوق، ضعف نهاد حوزه - مانند ضعف سایر نهادهای حاکمیتی - در تفوق رسانه‌ای به منظور پاسخ‌گویی به شبهاتی که به مناسبت‌های مختلف به‌ویژه ایام بودجه علیه حوزه مطرح می‌شود، لزوم شناخت نظام‌مند مسائل اقتصادی حوزه‌های علمی و تلاش برای یافتن جواب‌های آنها را آشکار می‌کند. در این میان یکی از مباحث نیازمند پژوهش و بررسی، پرداختن به اصول تأمین مالی حوزه‌های علمی است. با توجه به درک عمیقی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از روح حاکم بر حوزه‌های علمی و همچنین نحوه ارتباط آن با نظام جمهوری

اسلامی ایران دارند، یکی از بهترین راهکارها برای طرح‌ریزی نظام تأمین مالی صحیح در حوزه علمیه و تبیین نحوه تعامل حوزه‌های علمیه با نظام و دولت اسلامی، بررسی و تحلیل بیانات ایشان است. از این رو در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پرداخته و شبکه مضامین بیانات ایشان در رابطه با موضوع پژوهش استخراج و تحلیل می‌شود. به این منظور مقاله حاضر بدین صورت تدوین شده که پس از مقدمه، پیشینه پژوهش بیان گردیده است. در ادامه به صورت مختصر به روش تحلیل مضمون اشاره می‌شود و سپس مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در موضوع پژوهش تبیین و تدوین می‌گردد. در نهایت نیز مبتنی بر شبکه مضامین مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، یافته‌های پژوهش و تحلیل آنها تقدیم می‌گردد.

پیشینه تحقیق

نتیجه بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد اثر مستقلی در رابطه با دیدگاه و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد اقتصاد و تأمین مالی حوزه‌های علمیه به صورت مستقل وجود ندارد. تنها پژوهش‌های اندک موجود و مرتبط راجع به بیانات ایشان در مورد مسائل کلی حوزه‌های علمیه از جمله وظایف متقابل حوزه و نظام اسلامی، وظایف صنفی روحانیت، مناسبات و تعامل حوزه‌های علمیه با نظام و دولت، گونه‌شناسی روحانیت و امثال آن می‌باشد که بیشتر آنها نیز فاقد روش تحقیق کیفی از جمله تحلیل مضمون بوده و تنها به جمع‌آوری و دسته‌بندی بیانات ایشان در موضوعات مختلف اکتفا کرده‌اند. از جمله پژوهش‌های موجود در این زمینه می‌توان به پژوهش‌هایی مانند کتاب **رابطه روحانیت و نظام اسلامی از منظر امام و رهبری (۱۳۹۲)**، کتاب **حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم**

رهبری (۱۳۹۱)، مقاله «بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر مقام معظم رهبری» (۱۳۹۱)، کتاب *حوزه و روحانیت: برگرفته از بیانات حضرت آیت‌اله خامنه‌ای* (۱۳۹۰) و کتاب *حوزه و روحانیت در نگاه رهبری از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۸* (۱۳۸۹) و مقاله «الگوی هنجاری مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور» و ... اشاره کرد.

فرایند و مراحل اجرای روش تحلیل مضمون در تحقیق

تحلیل مضمون یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی است که برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی به کار می‌رود. حداقل کاری که تحلیل مضمون انجام می‌دهد، این است که مجموعه داده‌ها را به صورت تفصیلی ساماندهی و توصیف می‌کند و حتی بر غنای آنها می‌افزاید؛ اما در سطحی بالاتر به تفسیر جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش پرداخته، داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p.80). به طور کلی تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که داده‌های کیفی را تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی و یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌کند (Given, 2008, p.867).

در روش تحلیل مضمون ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌گردند. جمع‌آوری داده‌های مرتبط با بحث در هر یک از بخش‌ها از چند طریق صورت گرفته است. در روش نخست ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با بحث گردآوری و تدوین شدند و سپس بر اساس این کلیدواژه‌ها به جست‌وجو پرداخته شد. در روش دیگر نیز فهرست عناوین سخنرانی‌ها، جلسات، نامه‌ها، مصوبات و ... بررسی و هر آنچه مربوط به حوزه و روحانیت می‌شد، با دقت بیشتر مورد مطالعه قرار گرفتند. در روش سوم با مطالعه کتب، مقالات، سایت‌های تخصصی حوزه و روحانیت - مانند شبکه اجتهاد، خبرگزاری حوزه، مباحثات، منهای،

اندیشه قم و...، پایان‌نامه‌ها و... سعی در تکمیل داده‌های بحث گردید. در همه مراحل از راهنمایی استادان و خبرگان این حوزه بهره گرفته شد. پس از گردآوری داده‌ها از منابع معتبر، نوبت به مطالعه اصل داده‌ها و اطلاعات می‌رسد تا عبارات و مضامین آنها بر اساس مکتب و رویکرد منتخب پژوهش استخراج گردد. توضیح آنکه مکاتب، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی در تحلیل مضمون وجود دارد. در روش تحلیل مضمون سه مکتب «کدگذاری پایا» (Coding reliability)، «کتابچه کد» (Codebook) و «تحلیل مضمون بازتابی» (Reflexive) وجود دارد که ذیل هر یک از آنها نیز رویکردهای مختلفی به چشم می‌خورد. این رویکردها غالباً با مفهوم‌سازی متمایز و گاهی کاملاً متفاوت از چیستی مضمون، روش‌های شناسایی و توسعه مضمون و انجام کدگذاری از هم تشخیص داده می‌شوند (Braun & Clarke, 2019, p.125). در پژوهش حاضر از مکتب تحلیل مضمون بازتابی و رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شده است. تحلیل مضمون بازتابی یک فرایند شش مرحله‌ای شامل آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازنگری مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و درنهایت تدوین گزارش است (Braun & Clarke, 2006, p.86). مکتب تحلیل مضمون بازتابی بر نقش فعال پژوهشگر در فرایند تولید دانش تأکید می‌کند. در این رویکرد مضامین حاصل کار تحلیل قابل ملاحظه پژوهشگرند که برای کشف و شناخت معانی الگومند در مجموعه داده‌ها صورت می‌گیرد (رحیمی مقدم، ۱۴۰۰، ص ۵۲).

به لحاظ رویکرد و گرایش نیز رویکردهای متفاوت و متعددی وجود دارد. برخی پژوهشگران مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آنها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند (ر.ک: شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص ۳۵-۴۷). مهم‌ترین دیدگاه‌های مورد استفاده در پژوهش عبارت‌اند از دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین

(Thematic Network)، انتخاب دیدگاه مضمون استقرایی (مبتنی بر داده) (Inductive) در مقابل مضمون قیاسی (مبتنی بر نظریه) (Deductive) و انتخاب دیدگاه مضامین پنهان در کنار مضامین مشهود. در رابطه با دیدگاه جایگاه مضمون در شبکه مضامین باید گفت داده‌های گردآوری شده به بخش‌هایی تقسیم می‌شوند که کوچک‌ترین واحد داده برای شناخت، کد و مضمون است. در واقع از بخش‌های داده‌ای کدهایی استخراج می‌شوند و بر اساس کدها مضامین سطح اول استخراج می‌گردند که به عنوان مضامین پایه (Basic) نام‌گذاری می‌شوند. مضامین پایه مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن مرتبط با سؤال تحقیق‌اند که با ترکیب آنها مضمون سازمان‌دهنده (Organizing) ایجاد می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و واسط میان مضامین پایه و مضامین فراگیر (Global) هستند. مضامین فراگیر نیز مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل هستند که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرند (بیک خورمیزی، ۱۴۰۰، ص ۶۶-۶۷). فرایند تحلیل شبکه مضامین نیز شامل سه مرحله، شش گام و بیست اقدام است که در جدول ۱ بدان اشاره شده است:

جدول ۱. فرایند گام به گام تحلیل مضمون مطابق با روش تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توصیف متن	۱- آشناسدن با متن	جمع‌آوری و عملیاتی کردن داده‌ها (در صورت لزوم) مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها نوشتن ایده‌های اولیه
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳- جست‌وجو و شناخت مضامین	تطبیق کدها با قالب مضامین استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن پالایش و بازبینی مضامین

بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج مرتب کردن مضامین انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر ترسیم نقشه(های) مضامین اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین	۴- ترسیم شبکه مضامین	۲- تشریح و تفسیر متن
تعریف و نام گذاری مضامین توصیف و توضیح شبکه مضامین	۵- تحلیل شبکه مضامین	
تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و مبانی نظری نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها	۶- تدوین گزارش	۳- ترکیب و ادغام متن

منبع: عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸

همچنین در فرایند کدگذاری و استخراج مضامین در این پژوهش از گرایش استقرایی استفاده شده است که طی آن پژوهشگر فرایند تحلیل را از داده‌ها آغاز و از پایین به بالا کار می‌کند تا معانی را بدون تحمیل ایده‌ها شناسایی کند. البته کدگذاری استقرایی به این معنا نیست که تصور شود پژوهشگر با یک ذهن خالی سراغ تحلیل داده‌ها می‌رود؛ بلکه به این معناست که نقطه شروع تحلیل با داده‌هاست به جای اینکه با مفاهیم و نظریه‌های موجود باشد (Therry, 2017).

گرایش سومی که مورد توجه قرار گرفته، دیدگاه مضامین مشهود و پنهان است که باید تصمیم گرفته شود آیا مضامین در سطح آشکار و مشهود شناسایی شوند یا در سطح پنهان و مکنون؟ (Boyatzis, 1998, p.40). مضامین در سطح مشهود با توجه به معانی ظاهری یا آشکار داده‌ها شناسایی می‌شوند و تحلیگر به دنبال شناسایی چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد، نیست؛ در حالی که در سطح پنهان تحلیل مضمون فراتر از معانی مشهود و آشکار محتوای داده‌ها بوده و ایده‌ها، مفروضات و مفاهیم نهفته در داده‌ها را که شکل دهنده محتوای صریح داده است، شناسایی و ارزیابی

می‌کند (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص ۳۸-۳۹). در پژوهش حاضر علاوه بر مضامین مشهود به مضامین پنهان نیز توجه شده است. نکته پایانی در این بخش آن است که در بررسی فرمایش‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و استخراج مضامین پایه از آنها، رویکرد ترتیبی و زمانی لحاظ شده است، هرچند در نهایت شبکه مضامین بر اساس اهمیت مضامین فراگیر ارائه و تحلیل می‌گردند. بر این اساس هر یک از مضامین فراگیر ابتدا به وسیله مضامین سازمان‌دهنده ذیل آن تبیین شده و سپس اقوال حضرت امام (ره)، مراجع و بزرگان حوزه و همچنین اسناد بالادستی به عنوان مؤید مضامین مستخرج ارائه می‌گردد.

مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در اندیشه مقام معظم رهبری

مرحله اول در فرایند تحلیل مضمون شامل سه گام اصلی آشنایی با متن، کدگذاری و جست‌وجوی مضامین است. گام اول در رابطه با بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بدین ترتیب صورت گرفت که علاوه بر جست‌وجو با استفاده از واژگان کلیدی، متن منتشرشده ۳۴ جلسه ایشان با روحانیون طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی تفصیلی قرار گرفت. همچنین از امکانات «پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» (<https://khamenei.ir>) مانند پیشخوان، جستار و... استفاده شد. در بررسی بیانات رهبری (مدظله‌العالی) نیز برای تکمیل داده‌ها از کتب و مقالات مرتبط بهره گرفته شد که در پیشینه تحقیق به آنها اشاره شد. پس از استخراج ایده‌ها و کدهای اولیه حین جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه اولیه آنها، اقدامات لازم برای ایجاد کدهای اولیه مانند تهیه قالب مضامین، تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر، کدگذاری داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. نهایتاً گام سوم این مرحله یعنی جست‌وجو و شناسایی مضامین پس از طی اقداماتی مانند تطبیق کدها با

قالب مضامین، استخراج مضامین پایه از بخش‌های کدگذاری شده و نهایتاً پالایش و بازبینی مضامین اولیه به دست آمده، تکمیل گردید. در جدول ۲ برای نمونه برخی نتایج حاصل از فرایند فوق ارائه شده است.

جدول ۲. روند انتزاع مضامین پایه از گزاره‌های منتخب از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مضمون پایه	منبع	گزاره منتخب
برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای کامل کردن کار حوزه‌ها	بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۸/۱۲/۰۲	حقیقتاً راه، به سمت کامل کردن و آینده‌نگری در کار حوزه‌ها برنامه‌ریزی بشود و آن کسانی که می‌توانند، با استمداد از پروردگار این راه را طی کنند.
دلسوزی و به فکر مردم بودن استقلال و وابسته‌نبودن به ارباب قدرت	بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲	روحانیت اسلام، به‌خصوص تشیع، امتیازات بسیاری دارد. عشق اینها به علم، اخلاص برای خدا، دلسوزی برای مردم، بی‌اعتنایی به دنیا، نترسیدن از قدرت‌ها و قلدرها و زورمدارها، وابسته‌نبودن به ارباب قدرت، امتیازات فراوانی است که هست و بوده‌های ما اینهاست.
شناسایی و استفاده از روش‌های جدید برای حمایت از طلاب مانند تأمین خانه سازمانی، تهیه بن مخصوص، تأمین بیمه و ... تأمین حداقل معاش برای آرامش فکری طلاب	بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱	نکته یازدهمی که حوزه‌ها باید به آن توجه کنند، این است که برای طلابی که درآمدی جز شهریه‌ها ندارند، از روش‌های جدید استفاده شود. بالاخره باید کارهایی انجام بگیرد؛ مثل خانه سازمانی، مثل بن مخصوص، مثل بیمه و از این قبیل. برای طلاب در حوزه‌ها باید این کارها انجام بگیرد، تا قدری فکرشان آرام باشد.
نیاز به مدیریت قوی و کارآمد برنامه‌ریزی وجود ساختار اداری و پرسنی اختصاص بودجه منظم	بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰	مسئله، مسئله شورای مدیریت نیست؛ یک مجموعه مدیریت قوی می‌خواهد؛ یک مدیر کارآمد می‌خواهد؛ یک مجموعه اداری و پرسنی می‌خواهد؛ یک بودجه منظم می‌خواهد؛ ده تا معاونت می‌خواهد تا بتوانند این مجموعه عظیم را درست کنند.

<p>ممنوعیت وابستگی حوزه به تشکیلات دیگر لزوم وجود تشکیلات معجزا برای حوزه وجود ادله و استدلال قوی بر استقلال حوزه</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴/۹/۱۳</p>	<p>من اعتقاد ندارم که حوزه باید وابسته به یک تشکیلات دیگری شود. این اعتقاد، متعلق به حالا نیست. از سابق قبل از انقلاب و بیشتر پس از انقلاب که این قضیه مطرح می‌شد که آیا اگر دولت اسلامی باشد، باز هم حوزه باید تشکیلات جدایی داشته باشد یا خیر؟ من جزو کسانی بودم که مستدلا و با تکیه بر ادله قوی، معتقد بودم که حوزه باید مستقل باشد. الان هم عقیده‌ام همین است.</p>
<p>حمایت نظام از حوزه‌های علمیه به عنوان تکیه‌گاه آن حوزه و روحانیت، پشتوانه نظام اسلامی</p>	<p>بیانات در دیدار طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹</p>	<p>پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست.</p>
<p>مذمت کناره‌گیری روحانیت از امور نظام لزوم استقبال روحانیت از وجود نظام اسلامی که پرچمش اسلام و قانونش فقه است</p>	<p>بیانات در دیدار علماء و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹</p>	<p>اینکه یک آقایی در یک گوشه‌ای عبايش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است، با همه وجود استقبال کند.</p>

در نتیجه طی فرایند تحلیل مضمون در مرحله دوم، پنج مضمون فراگیر استخراج گردید که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: «حمایت متقابل حوزه و نظام»، «حفظ استقلال حوزه»، «تأمین معیشت طلاب»، «ارتباط دوجانبه و تنگاتنگ حوزه و مردم» و «ایجاد و ارتقای نظام اداری و مدیریتی قوی». ذیل هر یک از مضامین فراگیر نیز مضامین سازمان‌دهنده متعددی وجود دارد که با توجه به محدودیت‌های حجم مقاله، امکان آوردن همه آنها در متن مقاله وجود ندارد. از این رو برای نمونه در جدول ۳ بخشی از نتایج حاصل از استخراج مضمون فراگیر «تأمین معیشت طلاب» و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با آن به نمایش درآمده است.

جدول ۳. بخشی از مضمون فراگیر تأمین معیشت طلاب

منبع	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده
بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲	عدم منافات زندگی زاهدانه با برخورداری در حد متوسط	تأمین حداقل معیشت طلاب
بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱	تأمین حداقل معیشت برای آرامش فکری طلاب تأمین حداقل معیشت جهت پرداختن به امور طلبگی	
بیانات در دیدار جمعی از فضیای حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰	تأمین معاش طلاب سپردن کار تحقیقی به طلاب	
پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴	رسیدگی به وضع معیشتی طلاب و تأمین ضروریات مشترک از قبیل مسکن و مدرّس و بیمارستان و... تدوین مقرراتی برای کیفیت زیست عمومی طلاب	
بیانات در دیدار کارکنان و مدیریت مرکز خدمات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۱۰/۱۰	آنچه حوزه متکفل است، پایین‌ترین سطح معیشت در کشور ماست حداقل بودن تأمین امکاناتی مانند بیمه و قرض‌الحسنه	
بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴	لزوم تأمین حداقل‌های معیشت طلاب مهم بودن بحث معیشت و لزوم فعالیت در این زمینه	
بیانات در دیدار شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱/۰۶/۱۴	عدم اجازه استفاده از سهم امام به دلیل تأمین حداقل معیشت سایر طلاب فراهم کردن حداقل معیشت طلاب، واجب‌ترین کار لزوم افزایش شهریه‌ها در صورت توان	

مرحله نهایی در فرایند تحلیل شبکه مضامین به تدوین گزارش اختصاص دارد که طی آن ضمن بیان مختصر و صریح مضامین، نکات و نمونه‌های جالب و مورد توجه داده‌ها استخراج شده و به تحلیل آنها پرداخته می‌شود. در ادامه پنج مضمون فراگیر به دست‌آمده بررسی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

الف) حمایت متقابل حوزه و نظام

شاکله بیان‌ات رهبری (مدظله‌العالی) در این رابطه را می‌توان در حمایت متقابل حوزه و نظام از یکدیگر تصویر نمود. در این راستا برخی بیان‌ات ایشان مربوط به اعلام آمادگی ایشان برای حمایت از حوزه و حتی وظیفه خود دانستن حمایت از حوزه‌های علمیه است: «ما وظیفه داریم که از آقایان تشکر کنیم و برای شما دعا کنیم و هر مقداری که حالا از دست ما بریاید، کمک هم بکنیم» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴). بخش دیگری از بیان‌ات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به تبیین ارتباط و اتصال نظام جمهوری اسلامی و روحانیت معطوف است. ایشان ضمن مذمت انگیزه‌های بی‌تفاوت و بدبین‌کردن حوزه و نظام نسبت به یکدیگر (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴) بر پیوند ناگسستنی مسائل روحانیت و حوزه با مسائل کشور و نظام اسلامی تأکید می‌کنند: «حقیقت این است که این دو جریان عظیم یعنی جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه‌های علمیه دو جریانی هستند که به هم مرتبط‌اند، به هم متصل‌اند، سرنوشت آنها یکی است» (بیانات در دیدار طلاب فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۷/۸۹). از این رو همواره لزوم اطلاع علمای دین از وضعیت و موجودیت نظام و ایفای نقش صحیح برای تداوم نظام را گوشزد می‌کنند: «نظام جمهوری اسلامی به طبیعت خود، نظامی وابسته به علمای دین است و علمای دین، هم از این حیث که در پدیدآوردن این نظام سهم او فر را داشته‌اند و هم از این جهت که مردم درباره نظام به آنها مراجعه می‌کنند و هم از این جهت که خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف، در نظام مسئول‌اند ... باید از وضعیت و موجودیت نظام، آن‌چنان که هست، مطلع باشند؛ نقایص را بشناسند و پیشرفت‌ها را بدانند؛

آنجا که کمک لازم است، آن را تشخیص بدهند» (بیانات در جمع مدرسین و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

ایشان بر مبنای این تعامل دوطرفه میان حوزه و نظام در موارد متعددی از یک سو به نیاز نظام و دولت به حوزه اشاره نموده و بر لزوم پشتیبانی حوزه از نظام و دولت در رفع این نیازها تأکید می‌کنند و از سوی دیگر به لزوم حمایت نظام و دولت از حوزه اشاره می‌فرمایند. از جمله مهم‌ترین مصادیق حمایت حوزه از نظام در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌توان به وظیفه حوزه علمیه در تحقیق و تنقیح مباحث فقهی مرتبط در تدوین مقررات اسلامی برای اداره نظام اسلامی اشاره کرد. ایشان استخراج احکام الهی در همه شئون حکومت با نگرش حکومتی را از واجبات اساسی حوزه فقه اسلامی دانسته و بر لزوم تشکیل درس‌های خارج مخصوص فقه حکومتی تأکید می‌نمایند: «در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نو به نو را که می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷).

ایشان در رابطه با پشتیبانی نظام از حوزه و روحانیت ضمن اشاره به صبغه دینی و اسلامی بودن نظام، حوزه‌های علمیه را سرمایه نظام دانسته، بر پشتیبانی حکومت از حوزه و فراهم کردن فضای مناسب رشد و تکامل حوزه در نظام تأکید می‌ورزند: «نظام ما یک نظام دینی و اسلامی است و دار و ندار ما حوزه‌های علمیه‌اند که در رأس آنها، حوزه علمیه قم قرار دارد. امیدواریم - ان شاء الله - بتوانیم بخشی از وظایف خود در مقابل حوزه را انجام دهیم» (بیانات در دیدار اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۳). در بحث حمایت‌های دولتی از حوزه‌های علمیه نیز مقام معظم رهبری

(مدظله‌العالی) به لزوم پشتیبانی دولت از حوزه‌های علمی در برخی مسائل اشاره می‌کنند: «مسئله کمک‌های دولتی یک مسئله مهمی است. واقعاً بدون کمک‌های دولتی، خیلی از کارهای حوزه امکان تحقق ندارد؛ ... همین مسئله تعاونی طلاب، مسئله خانه‌سازی طلاب، مسئله صندوق قرض‌الحسنه طلاب، اینها مگر بدون کمک دولت می‌شود؟ ما واقعاً از عهده بر نمی‌آییم؛ یعنی کمک‌های مردمی کفایت نمی‌کند». البته ایشان معتقدند این حمایت باید به صورت غیرپولی و غیر از شهریه باشد: «به نظر ما پشتیبانی دولت به صورت دادن مرسوم شهریه و پول نباید باشد. نوع دیگری باید پشتیبانی کند. حمایت‌های دولت از نحوه دیگری است. پول حوزه از جای دیگری باید تأمین شود» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمی قم، ۱۳۷۶/۰۶/۲۹). از جمله دیگر توصیه‌ها و مصادیق می‌توان به مواردی مانند عدم مانع در صرف پول دولت در تعمیرات حوزه، سپردن کار تحقیقی به طلاب و تخصیص بودجه برای آن، تعریف جایگاه برای جذب کمک‌ها و امکانات کشوری، تأمین بیمه و قرض‌الحسنه طلاب و ... اشاره کرد. البته در این مسئله نمی‌توان فقط به بخشی از بیانات رهبری (مدظله‌العالی) استناد کرد، بلکه باید تمامی فرمایش‌ها را در کنار هم دید. در واقع این مضمون فراگیر را باید در کنار مضامین دیگر مانند لزوم حفظ استقلال حوزه تحلیل نمود که در بخش بعدی بدان اشاره می‌شود.

شاید بتوان بهترین وجه جمعی را که در رابطه بین حکومت و حوزه متصور است، در این بیانات رهبری (مدظله‌العالی) مشاهده نمود. ایشان پس از تصویر سه نوع مواجهه وابستگی، بی‌تفاوتی و مبارزه که حوزه‌های علمی در گذشته در قبال حکومت‌ها داشته‌اند (بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمی قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) و بیان اینکه امروز هیچ کدام از آن سه وجه، ممکن و معقول نیست، می‌فرمایند: «امروز، فرض چهارمی هم وجود دارد و آن عبارت است از حوزه علمی مستقل از حکومت که همکار حکومت است.

کار خود را در مجموعه عظیمی که امروز بر دوش همه است، انجام می‌دهد. وابسته به دولت نیست؛ اما به دولت کمک و از آن پشتیبانی می‌کند؛ به آن خدمت می‌دهد؛ آن را نصیحت و راهنمایی می‌کند و مقررات اسلامی را به آن می‌شناساند» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۶/۰۹/۱۳۷۴).

حضرت امام (ره) نیز در این رابطه معتقدند نظام و حوزه و روحانیت به یکدیگر متصل‌اند و موفقیت دولت و روحانیت در گرو همکاری و اتحاد با یکدیگر است؛ از این رو ایشان حمایت از جمهوری اسلامی و تلاش برای حفظ آن را بر روحانیت واجب می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۳۲۹). ایشان در موارد متعددی به نیازهای نظام به حوزه‌های علمیه اشاره نموده و با توجه به عقیده فوق، دستور به حمایت و پشتیبانی حوزه از نظام و دولت نموده‌اند (همان، ج ۱۸، ص ۲۲۱). ایشان حتی به اشتباه بودن تفکر و خیال عدم لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی کشور اذعان نموده و بر لزوم دخالت روحانیت در امور اجرایی و وظیفه‌بودن گرفتن مقام و سمت‌های اجرایی مادامی که احکام اسلام پیاده نشده باشد، تأکید می‌نمایند (همان، ص ۲۴۱).

حمایت و پشتیبانی حوزه‌های علمیه از نظام در اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه در سند نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه، حمایت حوزه از نظام جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اهداف کلان نظام جامع امور اجتماعی-سیاسی حوزه‌های علمیه مطرح شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲). از جمله مهم‌ترین مصادیق حمایت حوزه‌های علمیه از نظام نیز می‌توان به مواردی مانند تأمین و تبیین محتوای دینی مورد نیاز نظام، حفظ و تقویت جهت‌گیری‌های اصلی نظام، تأمین نیروی مورد نیاز جامعه و نظام اسلامی اشاره کرد (دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۴۹-۵۰/ همو، منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۶/ همو، کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۲).

البته در رابطه با سطح تعاملات و حمایت‌های حوزه از نظام و دولت اسلامی و نوع نیازهایی که حوزه‌ها موظف به برآوردن آن در نظام اسلامی هستند، نظرات متفاوتی وجود دارد. گاهی گفته می‌شود حوزه‌های علمیه تنها می‌بایست به نیازهای فرهنگی و دینی مردم پاسخ دهند؛ گاهی نیز گفته می‌شود علاوه بر نیازهای فرهنگی و دینی جامعه، می‌بایست به نیازهای نظام اسلامی نیز پاسخ داده شود؛ چراکه این امر در آموزش، کادرسازی، برونداد و تعامل حوزه با نظام از اهمیت بسیاری برخوردار است (واعظی، ۱۳۹۶، ص ۱۴). اما آنچه از مضامین بیانات امام و رهبری به دست می‌آید، مؤید دیدگاه دوم است. در این رابطه مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرمایند: «وظیفه روحانیت این است که دین را در جامعیت خودش بشناسد و بشناساند و در آن بخشی که نیاز به حضور روحانیت در مسائل نظام هست، حضور داشته باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶).

آیت‌الله مکارم نیز در رابطه با بهره‌مندی حوزه‌های علمیه از برخی حمایت‌های دولتی معتقدند: «وابستگی به پول دولت مشکلاتی را آفریده است، دولت‌ها آن مقدار سهم بودجه را تخصیص نمی‌دهند و این باعث شده است بسیاری از دستگاه‌ها با مشکلاتی مواجه شوند؛ تا جایی که برخی از مؤسسات و تشکیلات حوزوی وابسته به بودجه، تعداد زیادی از نیروهای علمی خود را مرخص کرده است. ... وابستگی امکان انتقاد را از بین می‌برد؛ ما سعی کردیم هرگز از دولت‌ها کمکی نگیریم. ... اگر وابسته شویم، خطرات زیاد وجود دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸). بنابراین ایشان منکر پذیرش کمک‌های دولتی نیستند و صرف کمک‌های دولتی را به عنوان وابستگی حوزه‌های علمیه به دولت نمی‌دانند و می‌فرمایند حمایت از حکومت اسلامی به معنای وابستگی نیست؛ بلکه به اثرات سوء ناشی از آن و به عبارتی رعایت ملاحظات توصیه می‌نمایند. این معنا هم مؤید مضامین حاصل از نتایج پژوهش است؛ بدین معنا که هم حوزه باید

حامی نظام باشد، هم نظام و دولت موظف به حمایت از دولت هستند و دخالت هم نباید بکنند؛ از این رو باید مراقبت کرد که این حمایت‌ها منجر به وابستگی نشود.

(ب) حفظ استقلال حوزه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در رابطه با تأمین مالی حوزه همواره مورد بحث بوده، حفظ استقلال حوزه و روحانیت است. نخستین نکاتی که در بیانات رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با استقلال حوزه می‌توان بدان اشاره کرد، این است که اولاً این استقلال حوزه‌های علمیه در طول تاریخ حتی در دوران حکومت‌های شیعی وجود داشته و همیشگی بوده است (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)؛ ثانیاً لزوم استقلال حوزه یک امر مبنایی، مستدل و با تکیه بر ادله قوی است (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴/۹/۱۳)؛ برای نمونه ایشان در یکی از بیانات خود دلایلی مانند نوسان و تلاطم در دولت‌ها و همچنین لزوم حضور قوی و نظارتی روحانیت را از جمله این ادله برمی‌شمرند: «دستگاه‌های دولتی، نوسان و تلاطم دارند و آینده‌شان به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست. روحانیت باید همیشه امکان حضور قدرتمندانه نصیحت‌آمیز یا دخالت‌آمیز را برای خودش حفظ کند، و الا نمی‌تواند کاری انجام دهد. این خصلت هم، باینکه بخشی از دولت یا حکومت باشد، نمی‌سازد. حوزه باید مستقل باشد و این، یک فرض است» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۹/۱۶). ایشان همچنین به انتظار مردم در مستقل بودن روحانیت اشاره می‌کنند: «انتظار دیگری که مردم همواره در طول تاریخ از ما داشتند، این بوده که ما حرّ و آزاد باشیم؛ یعنی قدرت‌ها و رودربایستی‌ها و تحمیل‌ها و امثال اینها، ما را اسیر خودشان نکنند.» (بیانات در مراسم عمامه‌گذاری جمعی از طلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶) و دو خصیصه استقلال و مردمی بودن را منحصر در روحانیت شیعه می‌دانند.

در همین راستا مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) وابستگی به مراکز قدرت و همچنین دولت و حکومت را منع می‌کنند. منظور ایشان در مورد نخست این است که روحانیت نباید وابسته به ارباب قدرت باشد و قبلاً هم بیان گردید که اصلاً مردم نیز چنین انتظاری از روحانیت دارند. اما در مورد دوم منظور این است که مبدا حوزه به عنوان عضوی از دولت درآید که توسط دولت اداره شود. به عبارت دیگر ایشان مخالف دولتی‌شدن حوزه‌های علمی هستند؛ از این رو در بیانات متعددی بر عدم وابستگی به دستگاه‌های دولتی و حکومتی تأکید کرده‌اند: «حوزه علمیه یک دستگاه علمی روحانی است؛ نباید و نمی‌تواند سازمانی از سازمان‌های دولتی بشود؛ حتی اگر آن دولت، دولت جمهوری اسلامی باشد. این اعتقاد من است؛ بر این اعتقاد پافشاری هم دارم» (بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). این مسئله عدم وابستگی به تشکیلات و سازمان‌های دولتی در سایر بیانات به نوع دیگر مطرح شده و آن لزوم وجود ساختار اداری و پرسنلی مستقل برای حوزه‌های علمی است. در واقع لازمه ممنوعیت سازمان دولتی‌شدن، این است که یک ساختار مستقل اداری وجود داشته باشد که از یک سو قابل تعامل با سازمان‌های دولتی و حکومتی باشد و از سوی دیگر تحت مدیریت و اعمال نظر دولت‌ها نبوده و استقلال خود را حفظ کند: «من اعتقاد ندارم که حوزه باید وابسته به یک تشکیلات دیگری شود. این اعتقاد، متعلق به حالا نیست. از سابق - قبل از انقلاب و بیشتر پس از انقلاب - که این قضیه مطرح می‌شد که آیا اگر دولت اسلامی باشد، باز هم حوزه باید تشکیلات جدایی داشته باشد یا خیر، من جزو کسانی بودم که مستدلاً و با تکیه بر ادله قوی، معتقد بودم که حوزه باید مستقل باشد. الان هم عقیده‌ام همین است» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴/۹/۱۳).

نکته مهم اینکه اگر چنین تفسیری از استقلال مد نظر ایشان در نظر

گرفته شود، دیگر شبهه چگونگی جمع میان بیانات ناظر به استقلال حوزه و استفاده حوزه از حمایت‌های دولت و حکومت به وجود نمی‌آید. در واقع از مجموع فرمایش‌های ایشان می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که استقلال حوزه با حمایت از آن منافاتی ندارد؛ یعنی حوزه از یک سو می‌تواند ضمن پشتیبانی از نظام و دولت، استقلال خود را حفظ کند و دولت نیز از سوی دیگر ملزم به حمایت از حوزه و در عین حال عدم دخالت در امور حوزه است: «روحانیت شیعه همیشه اینجور بوده، همیشه مستقل بوده، هرگز در قبضه قدرت‌ها قرار نگرفته است؛ امروز هم همین جور است، بعد از این هم باید همین جور باشد و به توفیق الهی همین جور خواهد بود. اما در اینجا هم مراقب باشید یک مغالطه دیگری به وجود نیاید؛ استقلال حوزه‌ها به معنای عدم حمایت نظام از حوزه و حوزه از نظام تلقی نشود» (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

این دغدغه که مبدا استفاده از کمک‌ها و حمایت‌های دولت و نظام اسلامی منجر به خدشه به استقلال و حریت حوزه‌های علمیه و روحانیت گردد، توسط سایر بزرگان حوزه نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی در این رابطه می‌فرماید استقلال حوزه‌های علمیه هرچه بیشتر برقرار شود و تمام تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با حوزه در همه جهات، زیر نظر حوزه و علما و حوزویان باشد، خط موفق و واقعی حوزه‌های علمیه محفوظ می‌ماند؛ بر این اساس، عدم دخالت مطلق نهادها و اشخاص خارج از حوزه‌های علمیه در مدیریت آن، اصلی‌ترین شاخص استقلال حوزه‌هاست (اجرایی، ۱۳۹۵). آیت‌الله سیفی مازندرانی نیز معتقدند مسئولان و مدیران حوزه باید مراقب باشند که خود را بند به اخذ بودجه از دولت‌ها نکنند (سیفی مازندرانی، ۱۳۹۶).

البته در رابطه با استقلال حوزه‌ها باید توجه داشت که برداشت‌های گوناگونی از استقلال وجود دارد. برداشت برخی صاحب‌نظران و چهره‌های

محوری حوزه‌های علمیه از استقلال حوزه، مدیریت مستقیم از سوی مراجع است؛ در حالی که برخی دیگر، استقلال حوزه را استقلال از دولت می‌دانند و عده‌ای دیگر استقلال را به معنای نظارت و نصیحت در رابطه با نظام اسلامی تلقی کرده‌اند؛ برای نمونه آیت‌الله مکارم هر گونه وابستگی حوزه به دولت را به منزله نفی استقلال حوزه‌ها دانسته که ارزش این نهاد را فرو می‌کاهد. یکی دیگر از ملاک‌های استقلال حوزه از دیدگاه ایشان منابع مالی مستقل است تا برای رفع نیازمندی‌ها از آن استفاده شود (اجرائی، ۱۳۹۵). ایشان در موارد دیگر بیاناتی دارند که مبنای ایشان را روشن‌تر می‌کند: «روحانیت شیعه بر خلاف روحانیت اهل سنت، مستقل است و وابسته به حکومت‌ها نیست. در روحانیت اهل سنت حتی جناب شیخ الازهر هم از طرف حکومت تعیین می‌شود و از حکومت حقوق می‌گیرند. ... بر اساس تعالیم ائمه هدی (ع) ما توانسته‌ایم روحانیت شیعه را مستقل از حکومت‌ها قرار بدهیم، ... حتی در حکومت اسلامی ما حامی حکومت اسلامی هستیم نه وابسته به آن» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

این در حالی است که بعضی استقلال را به بی‌طرفی و احیاناً ضدیت با نظام اسلامی تفسیر می‌کنند که اگر این گونه بود حوزه مستقل است، والا نه؛ در حالی که چنین تفسیری از استقلال حوزه، تحریف آن است و برخی به دنبال آن هستند که با سوءاستفاده از این عنوان حوزه را نسبت به نظام اسلامی بی‌تفاوت نموده و مانع پشتیبانی آن از نظام باشند (خاتمی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷). به اعتقاد آیت‌الله حسینی بوشهری نیز حوزه مستقل به معنای حوزه‌ای در تقابل با نظام اسلامی نیست و علاوه بر آن به معنای حوزه‌ای بی‌تفاوت نسبت به نظام اسلامی هم نیست، بلکه استقلال حوزه‌ها به معنای دیده‌بانی حوزه در قبال نظام اسلامی و ترمیم نقاط ضعف آن است. از نظر ایشان مهم‌ترین شاخصه استقلال حوزه‌های علمیه این است که نباید از

نظر اداری و اجرایی وابسته و گوش به فرمان نظام باشند (اجرایی، ۱۳۹۵). این تفسیر از حوزه مستقل که در مضامین حاصل از پژوهش نیز به دست آمده، در موارد دیگر نیز بیان شده است؛ برای نمونه آیت‌الله رجبی معتقدند حوزه مستقل از دو بعد باید برخوردار باشد: یکی بعد اقتصاد مالی و دیگری استقلال سازمانی. یعنی حوزه به لحاظ سازمانی، نهادی از نهادهای حکومت نباشد (رجبی، ۱۳۹۱).

اما برخی دیگر نیز استقلال را بدین صورت معنا کرده‌اند که هرچند حوزه باید در کنار نظام باشد، ولی نباید در نظام ادغام شود؛ یعنی حوزه باید ضمن حفظ کمال استقلال خود، در کنار نظام اسلامی باشد و اگر در موردی ایراد و اشکالی دید، آن را بیان کند؛ چنان‌که الآن همچنین است که اگر مراجع بزرگ تقلید، جامعه مدرّسین، ائمه محترم جمعه و... ایراد و اشکالی ببینند، خصوصی یا عمومی با مسئولان نظام در میان می‌گذارند. درواقع استقلال حوزه بدین معناست که تصمیم‌گیران حوزه و آنهایی که حرف اول را در حوزه می‌زنند، دولتی نباشند، بلکه مراجع عظام و خود حوزویان باشند (خاتمی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷-۱۱۹). طبق این دیدگاه استقلال حوزه یعنی عدم دخالت حکومت‌ها در هر آنچه وظیفه اصلی و اختصاصی حوزه است - مثل معرفی مراجع تقلید و... - (عندلیب همدانی، ۱۴۰۰). درواقع حوزه در برابر امکاناتی که دولت به او می‌دهد، خود را به دولت متعهد نمی‌داند و شورای عالی نیز سعی کرده است به این مسئله وفادار باشد و آن را لحاظ کند. در عمل هم نحوه حمایت‌ها و همچنین برخورد حوزه‌های علمیه در این رابطه به نحوی بوده است که حوزه و روحانیت به عنوان نهادی مستقل تحت اراده حکومت قرار نگیرند و هر گاه بخواهند عملکرد دولت و حکومت را تأیید یا نقد کنند، بتوانند (امینی، ۱۳۸۸).

بنابراین همان‌گونه که در شبکه مضامین پژوهش نیز به دست آمد، استقلال حوزه به معنای عدم ارتباط حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی نیست،

بلکه باید هر دو تعامل سازنده با هم داشته باشند و از یکدیگر حمایت کنند؛ یعنی نه می‌توان فرض کرد که حوزه به عنوان نهاد تاثیرگذار، تعامل نداشته باشد و نه می‌توان از استقلال حوزه صرف نظر کرد، بلکه حوزه در عین اهتمام به حفظ استقلال، در تعامل با نظام و دولت از خدمات آن بهره می‌برد. این گونه بودجه‌ها که ماهیت کمکی دارند، تعهدی ایجاد نمی‌کنند و نهادهای دولتی هم نظارتی بر آن ندارند (امینی، ۱۳۸۸). در این رابطه آیت‌الله نوری همدانی معتقدند استقلال حوزه به معنای استقلال از نظام اسلامی و ولایی نیست؛ بلکه به معنای وابسته‌نبودن به دولت‌هاست و باید دولت‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کند و تذکر بدهد (اجرایی، ۱۳۹۵). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌فرمایند: «حوزه و مراجع اگر دولتی شوند، مشکل خواهند داشت؛ البته حوزه و مراجع باید حامی نظام و دولت اسلامی باشند، اما این موضوع به معنای وابستگی نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹). ایشان نیز به‌درستی بر همین نکته تأکید می‌کنند که صرف حمایت حوزه از نظام و دولت اسلامی به معنای وابستگی حوزه‌های علمیه نیست. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «حمایت ما از نظام غیر از این است که مانند شیخ الازهر دست‌نشانده باشیم. هرگز نشنیدیم یک امام اهل سنت یک قیامی بر ضد حکومتشان کرده باشند. برای اینکه موقعیت آنان از آنجا تأمین می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

نکته پایانی در این بخش نیز اینکه با توجه با تأکیدات دلسوزان حوزه‌های علمیه در رابطه با حفظ استقلال حوزه، این مهم به‌درستی در اسناد بالادستی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله اینکه «تأکید بر حفظ استقلال همه‌جانبه حوزه‌های علمیه» به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های مورد استفاده در تنظیم کارویژه‌های روحانیت در عرصه حوزه‌های علمیه مورد توجه بوده است (کارویژه‌های روحانیت در عرصه‌های حوزه‌های علمیه، ص ۱۶). همچنین در اساسنامه شورای عالی

حوزه‌های علمیه، حفظ همه‌جانبه استقلال حوزه به عنوان یکی از اهداف این شورا بیان شده است. در منشور حوزه‌های علمیه نیز بیان شده است حوزه‌های علمیه باید مستقل از قدرت‌ها و جریان‌های اجتماعی و دارای اصالت و هویت سازمانی مستقل باشند و از این مسئله به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین حوزه یاد شده است (دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۴). در سایر اسناد نیز به استقلال، خوداتکایی و خودباوری، حفظ استقلال، کرامت، منزلت و رعایت شئون روحانیت و پرهیز از وابستگی به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی اشاره شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ۱۴۰۰، صص ۹۷ و ۱۱۷).

ج) تأمین معیشت طلاب

نخستین مسئله‌ای که در این زمینه می‌توان در کلام رهبری (مدظله‌العالی) مشاهده نمود، این است که وضع معیشتی طلاب در حالت مطلوبی قرار ندارد (بیانات در دیدار شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم ۱۳۹۱/۰۶/۱۴) به نحوی که قدرت درس خواندن را از برخی طلاب گرفته (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴) و طلاب را در زمره ضعیف‌ترین اقشار قرار داده است (بیانات در دیدار شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم ۱۳۹۱/۰۶/۱۴)؛ از این رو ایشان در بیانات مختلفی به لزوم تأمین حداقل معیشت طلاب تأکید می‌کنند. از جمله مهم‌ترین تأکیدات ایشان این است که باید مقرراتی برای کیفیت زیست عمومی طلاب تدوین گردد و به وضع معیشتی طلاب و تأمین ضروریات مشترک از قبیل مسکن، مدرّس، بیمارستان و... رسیدگی گردد^۱ (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴). در واقع ایشان معتقدند تأمین حداقل معیشت برای آرامش فکری طلاب جهت

۱. برخی از فرمایش‌های رهبری (مدظله‌العالی) که بدان اشاره می‌گردد، مربوط به سال‌های پیشین است که هنوز اقدام خاصی در این رابطه انجام نشده بود؛ ولی خوش‌بختانه در حال حاضر برخی از این مشکلات حل شده یا کمتر شده است.

پرداختن به امور طلبگی لازم و ضروری است: «البته باید حداقل معیشتی وجود داشته باشد؛ طوری که انسان ذهنش مشغول آن چیزها نباشد و بتواند درسش را راحت بخواند و کار لازم و مورد توقع را انجام بدهد» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

برای حل مشکل معیشتی ایشان توصیه‌های متعددی را مطرح کرده‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. نکته اولی که در این رابطه در برخی از بیانات ایشان به چشم می‌خورد، لزوم مطالعه درباره روش‌های مختلف تأمین مالی است. یکی از نکات در این رابطه امکان استفاده از بودجه دولتی است که مباحث مرتبط با آن در بخش‌های قبلی گذشت و بیان گردید که هرچند ایشان اعتقاد قلبی به عدم دریافت پول دولتی برای حوزه‌های علمی دارند، ولی در برخی موارد استفاده از آن را با در نظر گرفتن ملاحظات جایز می‌دانند. در این رابطه نقل شده است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در یکی از جلسات شورای عالی حوزه‌های علمی در سال ۱۳۸۳ مطالبی فرمودند [به این مضمون] که بودجه دولت بودجه فراوانی است و ایرادی در استفاده حوزه از آن نیست. خصوصاً با ملاحظه اینکه مبلغ آن در مقایسه با بودجه سایر دستگاه‌ها خیلی ناچیز است. از نظر ایشان اگر وجوهات توان تأمین نیازهای حوزه را داشته باشد، قطعاً ترجیح در استفاده از وجوهات است؛ اما با توجه به اینکه فعلاً چنین امکانی فراهم نیست، با فرض اینکه حوزه استقلالش را در نظر حفظ می‌کند، اشکالی ندارد که حوزه با حفظ این استقلالش از این کمک‌ها استفاده کند (امینی، ۱۳۸۸).

نکته دیگری که در بیانات ایشان به‌وفور مشاهده می‌شود، لزوم استفاده صحیح از ظرفیت‌های موجود است. این بحث در واقع در مقابل لزوم بهره‌مندی از روش‌های جدید حمایت‌گری مطرح می‌شود. توضیح آنکه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در برخی بیانات خود به لزوم شناسایی روش‌های جدید برای تأمین معیشت و تأمین مالی حوزه‌های علمی اشاره

می‌کنند: «نکته یازدهمی که حوزه‌ها باید به آن توجه کنند، این است که برای طلابی که درآمدی جز شهریه‌ها ندارند، از روش‌های جدید استفاده شود. بالاخره باید کارهایی انجام بگیرد؛ مثل خانه‌سازمانی، مثل بن مخصوص، مثل بیمه و از این قبیل»^۱ (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱). مسئله دیگر که می‌توان آن را ذیل همان استفاده از ظرفیت‌های موجود مطرح نمود، این است که می‌توان برای جذب کمک‌ها و امکانات کشوری اقدام به تعریف جایگاه برای حوزه‌های علمیه نمود؛ به نحوی که بتواند به عنوان یک مؤسسه آموزشی، پژوهشی، تربیتی و... بتواند از بودجه‌ها و امکاناتی که به صورت عام مثلاً برای بحث پژوهش و نظایر آن در نظر گرفته می‌شود استفاده کند (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

علاوه‌بر بیانات رهبری، برخی دیگر نیز در این زمینه معتقدند حاکمیت مکلف و موظف به حمایت از این جریان دینی و خدمت تبلیغی به مردم است؛ چراکه در کنار تأمین نیازهای معیشتی، اجتماعی و اقتصادی، تأمین نیازهای تبلیغی و دینی مردم سراسر کشور نیز بر عهده حکومت و حاکمیت است (روستاآزاد، ۱۳۹۷، ص ۱۹۵). آیت‌الله شب‌زنده‌دار نیز معتقدند در برخی موارد که مدارس علمیه از عهده مخارج خود بر نمی‌آیند، می‌توان از کمک‌های نظام اسلامی در این رابطه استفاده کرد؛ اما کمک‌های این‌چنینی باید به روش درست و به نحو شایسته‌ای صورت بگیرد؛ مثل اینکه کمک‌ها از طریق رهبری یا اوقاف باشد (شب‌زنده‌دار، ۱۳۹۱). برخی دیگر نیز اختصاص برخی بودجه‌ها از سوی نظام به حوزه را مانند هزینه‌هایی که برای دانشجویان و دانش‌آموزان صورت می‌گیرد، حق شهروندی می‌دانند که حوزه هم باید داشته باشد (خاتمی، ۱۳۹۱) و دولت جمهوری اسلامی این وظیفه را دارد که به همان مقدار که به دانشگاه‌ها

۱. مثال‌های مطرح‌شده در زمان سخنرانی از این جهت به عنوان روش‌های جدید مطرح شده‌اند که تا آن زمان سابقه نداشته است که به صورت سازمان‌یافته و از طرف مدیریت حوزه‌ها صورت بگیرد.

بودجه می‌دهد، حوزه را نیز حمایت کند. این به معنای وابستگی و عدم استقلال نیست (قوامی، ۱۳۹۷).

اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه در رابطه با تأمین معیشت طلاب را نیز می‌توان ذیل چند بخش اصلی دسته‌بندی کرد. دسته نخست مباحث مربوط به تأمین و ارتقای نظام معیشتی طلاب است که در آن مسائل متعددی مانند طراحی نظام جامع امور معیشتی، هدفمندی خدمات و تسهیلات، ارتقای شاخص‌های خدماتی و معیشتی، ایجاد آرامش روانی و معیشتی و... مطرح شده است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۳۸). دسته دوم ناظر به روش‌های مختلف قابل استفاده برای تأمین مالی حوزه‌های علمیه مانند تأمین مالی از طریق هدایا، نذورات و تملیک اموال خیرین، استفاده از سایر ردیف‌های بودجه مشابه نهادهای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، تأمین مالی از طریق احیا و توسعه موقوفات و... است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵-۱۱۸). در نهایت نیز مباحث متعددی ناظر به ملاحظات دو بخش پیشین مطرح شده است.

د) ارتباط دوجانبه و تنگاتنگ حوزه و مردم

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در برخی موارد به بررسی نحوه و چگونگی ارتباط مردم با روحانیت و حوزه‌های علمیه پرداخته و نکاتی را گوشزد کرده‌اند که با بررسی مجموعه آنها می‌توان ادعا کرد که ایشان بر تعامل حوزه و مردم تأکید دارند. ایشان از یک سو به مردمی بودن حوزه‌های علمیه و عدم وابستگی به تشکیلات حکومتی و دولتی اشاره می‌کنند و از سوی دیگر همراهی و پشتیبانی مردم از روحانیت در طول زمان را متذکر می‌شوند: «این، در هیچ جای دنیا وجود ندارد. مجامع روحانی، چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی در غیر شیعه، مجامعی هستند که با مردم سر و کار دارند - یعنی مردم به کلیساها هم می‌روند - اما روحانی در آنجا، با پیشنهاد مسجد ما در اینجا، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. او یک

فردی است وابسته به یک تشکیلاتی که از ملحقات دولت و سلطه حاکم بر آن کشور است یا سلطه‌ای شبیه سلطه روحانیت مثل مسیحی‌ها که مثلاً کاتولیک‌هایشان به یک جای دیگر وابسته‌اند، پروتستان‌ها به یک جای دیگر وابسته‌اند و فرقه‌های مختلفشان هر کدام به مراکز قدرت وابسته‌اند و نصب و عزل می‌شوند؛ اما روحانیت شیعه این طور نیست؛ روحانی شیعه فقط متصل به مردم و برای مردم و در شئون روحانی، در خدمت مردم است؛ لذا تغذیه مالی روحانیون هم از مردم است». ایشان در واقع ارتباط روحانیت با مردم را یک ارتباط دوجانبه و تنگاتنگ می‌دانند؛ به نحوی که هم مردم به روحانی رسیدگی می‌کنند و هم روحانیت به مردم (بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

ایشان معتقدند برای حفظ این تعامل و ارتباط دوجانبه روحانیت باید به دیدگاه‌ها و انتظارات مردم از خودش توجه داشته باشد. مهم‌ترین انتظارات مردم از روحانیت این است که حریت و آزادی داشته باشند؛ اسیر قدرت‌ها و حکومت‌ها نشوند؛ مستقل باشند؛ زندگی زاهدانه داشته باشند؛ پارسا و بی‌اعتنا به زخارف دنیا باشند و... (بیانات در مراسم عمامه‌گذاری جمعی از طلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ / بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲). در واقع طبق دیدگاه ایشان این مهم می‌تواند زمینه‌ساز همراهی و جلب حمایت‌های بیشتر آنها گردیده، این سنت دیرینه پشتیبانی مردم از حوزه‌های علمیه را استمرار بخشد: «پول حوزه از جای دیگری باید تأمین شود که بهترین شیوه‌اش هم همین است که یا اوقاف تضمین شده مسلمین باشد ... یا اینکه همین وجوهات، کیفیتش تصحیح شود؛ طوری بشود که بتواند جواب بدهد. من گمان می‌کنم بسیاری از کسانی که اگر ببینند، حوزه چه کارهایی می‌کند، حرفی ندارند که تبرّعات زیادی هم بدهند» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶/۰۶/۲۹). از این رو مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر فرهنگ‌سازی و تبلیغ برای پرداخت تبرّعات

و وجوهات تأکید می‌کنند: «آقایانی که می‌روند شهرستان‌ها، این را باید به آنها گفت. بروند مردم را وجوهات بده کنند. وجوهات بخواهند. مردم وجوهات می‌دهند. اداره می‌کنند. ... مصلحت این است که عالم وابسته بشود به مردم و هیچ با عزت هم منافات ندارد. من خودم وجوهات بگیر بودم سال‌های متمادی. هیچ منافات ندارد؛ آدم عزیز در عین حال وجوهات می‌گیرد و خودش هم خرج می‌کند» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷/۱۱/۱۶).

از بررسی مجموع اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه نیز بحث متصل بودن با مردم و دست‌گیری و کمک به آنها به دست می‌آید (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۵). از این رو هم در نظام جامع امور طلاب و دانش‌آموختگان و هم در نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار نسبت به ایجاد ارتقای ارتباط حوزویان با مردم توصیه شده است. اهمیت این مسئله را می‌توان در این امر برشمرد که تأمین بخشی از نیازهای مالی روحانیت خصوصاً در امور تبلیغی از طریق وجوهات مردمی و کمک‌های خیرین است. در نظام جامع تأمین منابع مالی پایدار نیز تأمین حداقل نیمی از مصارف و هزینه‌های حوزه از این محل به عنوان چشم‌انداز تصویر شده است (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵). از این رو فرهنگ‌سازی و تبلیغ برای پرداخت تبرعات و وجوهات باید به عنوان یکی از لوازم تحقق این مهم مورد توجه قرار گیرد. این مهم در اسناد متعددی مانند منشور حوزه‌های علمیه، نظام‌های جامع حوزه علمیه و کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مورد اشاره قرار گرفته است.

وجه دیگر تعامل با مردم در اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه، لزوم توجه به نیازهای مردم و جامعه و تلاش برای حل آنهاست. لازمه این مهم ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌ها برای حل نیازهای جامعه است. یکی از اهداف شورای عالی حوزه‌های علمیه که در اساسنامه آن ذکر شده «توانمندسازی

هرچه بیشتر حوزه‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی جوامع بشری است. این نکته در منشور حوزه‌های علمیه با عباراتی مانند پاسخ‌گویی به نیازهای بشری و نقش‌آفرین در عرصه‌های اجتماعی بیان شده و لازمه تحقق آن در مسائلی مانند تکمیل شرح شغل و شاخص‌های دانشی و مهارتی، ایجاد پایگاه کارآفرینی برای توانمندسازی طلاب، برنامه‌ریزی به منظور ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی و... مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله همچنین در سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه نیز ذیل راهبرد کلان ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور عالمانه و اجتهادی حوزه و حوزویان در عرصه‌های گوناگون برای تأمین نیازهای دینی فردی و اجتماعی و حاکمیتی بدین صورت تدوین شده است: «تأمین نیازهای نظری و کاربردی جامعه و نظام اسلامی، با طرح موضوعات و مسائل آنها در مباحث اجتهادی حوزه» (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، ص ۱۹).

ه) ایجاد و ارتقای نظام اداری و مدیریتی قوی

همان‌طور که در بخش استقلال حوزه علمیه نیز اشاره شد، یکی از نکات مد نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با حوزه‌های علمیه، وجود ساختار اداری و پرسنلی مستقل است. ایشان ضمن مردود و مضردانستن اینکه حوزه علمیه بخشی از دستگاه‌های دولتی باشد، به تأسیس مرکزی برای مدیریت و تصدی‌گری امور حوزه توصیه می‌کنند: «به هر حال باید مرکزی مباشرت مستقیم و مشخص کند و به نظر من، امروز این مرکز، مدیریت حوزه است» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳/۹/۱۳۷۴). ایشان در پیام خود به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه می‌فرمایند: «خدای عزیز و حکیم را سپاس گزارم که به یکی از آرزوهای بزرگ درباره حوزه‌های علمیه جامه عمل پوشانید و در ظلّ عنایات حضرت ولی‌الله‌الاعظم (روحی فداه)، سرآغازی مبارک برای تحول دیربایی که همواره نیک‌خواهان و روشن‌بینان

جامعه روحانیت، آرزومندان به بدن چشم دوخته بودند، پدید آورد. تشکیل شورایی از علما و مدرسین عالی‌مقام برای سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به اداره حوزه علمیه و تعیین مدیری از علمای برجسته و انقلابی و بصیر، مژده بزرگی است که بیان اهمیت آن در جملاتی کوتاه میسر نیست».

ایشان در تبیین ضرورت وجود سازمانی برای مدیریت حوزه نکات متعددی را مطرح می‌کنند. مهم‌ترین نکته‌ای که ایشان در این رابطه مطرح می‌کنند، این است که لازمه تدبیر امور حوزه خصوصاً در عصر حاضر و در نظام اسلامی که شرایط جدیدی را می‌گذارند که تاکنون روحانیت و حوزه‌های علمیه تجربه نکرده‌اند، وجود مدیریتی قوی و کارآمد است: «تدبیر حوزه به وسیله یک گروه متمرکزی که مورد تأیید مراجع و بزرگان باشند و در مسائل حوزه صاحب‌نظر باشند، یک چیز لازمی است، اجتناب‌ناپذیر است؛ بدون این نمی‌شود این کار پیچیده مهم همه‌جانبه، بدون یک مدیریت قوی امکان‌پذیر نیست (بیانات در دیدار طلاب فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹). هرچند ایشان حین و در بدو تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، وظایف مهمی مانند کار تشکیلاتی، مدیریت تشکیلاتی، تعریف معاونت‌های مختلف و تقسیم کار، تربیت نیرو برای رفع نیازها، جذب امکانات (امکانات عنوانی، جایگاهی، مالی و...)، نوشتن اساسنامه، نظام‌نامه، چشم‌انداز و... برای حوزه را برای این سازمان تعریف می‌نمایند؛ اما مهم‌ترین نکات و وظایف مد نظر ایشان را می‌توان در چند دسته کلی برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، مدیریت قوی و کارآمد، تفکیک سیاست‌گذاری از مدیریت در حوزه و تحول و نوآوری ساختاری خلاصه نمود که در ادامه به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مسائل مختلفی از جمله احصای نیازها، کامل کردن کار حوزه‌ها، تبیین و حل ابعاد مختلف مسئله تأمین معاش طلاب، تشخیص اولویت‌ها و فوریت‌ها، روش‌های تأمین مالی،

علاج و رفع مشکلات حوزه، موفقیت اهداف و وصول بدان، تبیین وضع مطلوب و ایدئال و... حوزه را نیازمند برنامه‌ریزی و آینده‌نگری دانسته و همواره این نکته را گوشزد نموده‌اند. در واقع مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با نگاه به افق آینده جهان و رشد و پیشرفت ناشی از دانش و فناوری در همه جوامع تنها راه بقا و ماندگاری حوزه را آینده‌نگری و برنامه‌ریزی درست مدیران و صاحب‌نظران دانسته، می‌فرماید: «اگر امروز ارکان حوزه یعنی مدیران، صاحب‌نظران، اساتید و برجستگان همت بکنند درست فکر کنند و برنامه‌ریزی کنند، حوزه ۲۰ سال دیگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه نفوس، از حالا به مراتب بهتر خواهد بود... اگر این کار شد، این آینده‌نگری انجام گرفت، فردا خوب خواهد بود. اگر این آینده‌نگری امروز در حوزه قم انجام نگیرد و به وضع موجود راضی باشیم، به همینی که حالا حوزه را یک جوری اداره کنیم، به این اگر قناعت کنیم، فردا یا حوزه‌ای نداریم یا حوزه‌ای رو به انحطاط خواهیم داشت» (۱۳۸۶/۹/۸). ایشان در این رابطه توصیه‌های متعددی از جمله لزوم سیاست‌گذاری برای حوزه، لزوم تدوین چشم‌انداز برای آینده حوزه، لزوم وجود شورای برنامه‌ریزی برای حوزه، لزوم بهره‌مندی از برنامه‌ریزان آگاه و خبره، لزوم در نظر گرفتن ملاحظات برنامه‌ریزی، تنظیم سند چشم‌انداز یا به عبارتی بیانیه مأموریت حوزه، برنامه‌ریزی ناظر به واقعیات و اقداماتی عملی و قابل تحقق، تعیین هدف‌های مقطعی و برنامه‌های زمان‌بندی شده بر اساس چشم‌انداز و... را مطرح نموده و عدم توجه به این نکات و ملاحظات را موجب انحطاط و عدم پیشرفت حوزه‌های علمیه می‌دانند (بیانات در دیدار شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶/۰۶/۲۹).

مسئله بعدی لزوم وجود مدیریت قوی و کارآمد در حوزه‌های علمیه است. علاوه بر نکاتی که در ابتدای این بخش در مورد ضرورت تشکیل سازمان مدیریت حوزه از بیانات رهبری (مدظله‌العالی) اشاره شد، می‌توان

به این جمله ایشان نیز اشاره کرد که بیانگر جایگاه مدیریت حوزه‌های علمیه در نظر ایشان است: «عزیزان من، مسئله مدیریت حوزه را جدی بگیرید. بعضی اشخاص، مدیریت حوزه را جدی نمی‌دانند؛ جدی است. اگر ممکن بود، یکی از مراجع معظم، مدیریت حوزه را به طور اجرایی به دست بگیرد، این اولویت داشت. این قدر مسئله مدیریت حوزه مهم است» (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). اما آنچه در این بخش مورد توجه قرار گرفته است، تأکیدات ایشان بر مدیریت قوی و کارآمد و همچنین توصیه‌ها و ملاحظاتی است که ایشان در این رابطه مطرح می‌نمایند. مهم‌ترین ملاحظاتی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با مدیریت حوزه‌های علمیه مطرح می‌فرمایند، عبارت‌اند از: چابک و کوچک‌بودن تشکیلات، استفاده از فضایی جوان به صورت عضو غیرپیوسته ولی مرتبط، پرهیز از توسعه تشکیلات، عدم تصدی‌گری در اموری که متصدی دارد، پرهیز از موازی‌کاری، پرهیز از راه‌اندازی تشکیلات متعدد در کنار هم و... .

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از مهم‌ترین اهداف و کارکردهای مدیریت حوزه‌های علمیه را در تحول و نوآوری ساختاری می‌دانند و بر لزوم انجام تحولات در حوزه تأکید می‌کنند: «به هر حال تحول را باید جدی گرفت. عمده کار هم در تحول، زنده‌کردن ظرفیت‌هایی است که در حوزه وجود دارد. مهم‌ترین تحول این است که حوزه واقعاً بتواند در جایگاه خودش قرار بگیرد و آن نیازی که به حوزه هست، ان‌شاءالله برآورده شود» (بیانات در دیدار شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱/۰۶/۱۴). اما این تحول و نوآوری از منظر ایشان ملاحظاتی دارد که لازمه تحقق اهداف مد نظر از این تحول است؛ از جمله: توجه به نظرات مراجع؛ استفاده از نیروی ابتکار

و خلاقیت؛ بازکردن راه برای نوآوری علمی و فنی؛ جلوگیری از تصرف ناشیانه و خودسرانه در نبایدهای سنتی حوزه؛ حفظ مزایای نظام حوزه علیرغم تحول ساختاری؛ لزوم استفاده از ابزارها و روش‌های متداول در محیط‌های علمی برای پیشرفت حوزه، نظم و انضباط؛ پشتیبانی از مدیریت حوزه برای انجام تحول؛ قادربودن مدیر حوزه بر انتخاب و ابتکار و شتاب لازم، لزوم اراده واحد در مدیریت و... اشاره کرد (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴). نکته پایانی در این بخش اینکه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) لازمه تحقق اهداف در بخش مدیریت و برنامه‌ریزی را منوط پیمایش سه مرحله ترسیم حوزه مطلوب، تبیین اقدامات اجرایی لازم برای رسیدن بدان و درنهایت برنامه‌ریزی کمی می‌داند (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶/۰۶/۲۹).

حضرت امام (ره) نیز توصیه مؤکد دارند که باید ساختار سازمانی مدیریت حوزه مستقل باشد تا مبادا منجر به سازمان دولتی شدن حوزه‌های علمیه گردد. مهم‌ترین تأکید حضرت امام (ره) در این زمینه در وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان آمده است که می‌فرمایند: «در هر صورت وصیت این جانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام‌دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۲۵). ایشان لازمه تحقق این مهم را بهره‌مندی از نظرات و پیشنهاد‌های نظام‌نخبگانی و اقشار مختلف طلاب می‌دانند (همان، ج ۲۱، ص ۳۸۰). نکته دیگری که در این زمینه به چشم می‌خورد، لزوم مدیریت حوزه علمیه توسط خود

روحانیون است. ایشان به جای احاله موضوع به نهادهای بیرون حوزه، اعتقاد داشتند این کار باید توسط خود حوزه و خود علما انجام بگیرد (شیرخانی و شیرخانی، ۱۴۰۱، ص ۲۳۲).

بررسی اسناد بالادستی حوزه‌های علمیه نیز بیانگر آن است که سه مسئله اصلی در این بخش مد نظر سیاست‌گذاران حوزه‌های علمیه بوده است: نخست مدیریت قوی و کارآمد؛ دوم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و درنهایت ملاحظاتی که در دو فرایند قبل باید مورد توجه باشد. در منشور حوزه‌های علمیه بخشی با عنوان سیاست‌های مدیریتی وجود دارد که نخستین بند آن، ساماندهی مدیریت حوزه‌ها بر پایه اندیشه‌های امام راحل (ره)، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مراجع عظام تقلید (مدظله‌الم) و سیاست‌های شورای عالی حوزه‌های علمیه است (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۷-۱۹). در سایر اسناد مانند نظام‌های جامع حوزه علمیه (نظام‌های جامع حوزه علمیه، ۱۴۰۰، صص ۱۷-۱۸ و ۱۲۵-۱۲۹)، سند آمایش حوزه‌های علمیه (سند آمایش حوزه‌های علمیه، صص ۱۷، ۲۵ و ۲۸) و سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه (سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، صص ۲۲، ۴۳-۴۴ و ۴۶) نیز همین نکات و ملاحظات مورد توجه بوده است. از جمله نکات و عبارات مشعر به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری نیز می‌توان به مواردی مانند طراحی نقشه جامع تحول در حوزه‌های علمیه، تدوین برنامه‌های بلندمدت راهبردی، تدوین اسناد راهبردی، سامان‌بخشی و نظام‌مندسازی خروجی‌های حوزه، برنامه‌ریزی به منظور ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، تدوین نظام جامع تأمین مالی منابع مالی پایدار، برخورداری از نظام برنامه‌ریزی جامع‌نگر و... اشاره کرد (منشور حوزه‌های علمیه، ص ۱۷-۱۹/ کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹-۱۴۰۳، ص ۷۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در نتیجه فرایند استخراج شبکه مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، پنج مضمون ارتباط دوجانبه و تنگاتنگ حوزه و مردم، حمایت متقابل حوزه و نظام، حفظ استقلال حوزه، لزوم تأمین معیشت طلاب و ایجاد و ارتقای نظام اداری و مدیریتی به دست آمد که در نمودار ۱ قابل مشاهده است.



نمودار ۱. شبکه مضامین مرتبط با اقتصاد حوزه در اندیشه مقام معظم رهبری

از مهم‌ترین نکاتی که در نتیجه تحلیل شبکه مضامین استخراج گردید، می‌توان چند نکته را متذکر شد: نخست اینکه با توجه به وضع نامطلوب معیشت طلاب که در برخی موارد امکان تحصیل مطلوب را از ایشان گرفته است، لازم است اقداماتی در این زمینه صورت گیرد. در نظر ایشان مهم‌ترین زمینه تأمین مالی طلاب و حوزه‌های علمی به خصوصاً در رابطه با پرداخت شهریه، استفاده از وجوهات مردمی، کمک‌های خیرین و همچنین ظرفیت وقف است. اما با توجه به کمبودهایی که وجود دارد و در برخی موارد بدون کمک‌های دولتی امکان فعالیت وجود ندارد، لازم است از حمایت‌ها نظام و دولت نیز در حد ضرورت و تا زمانی که چنین نیازی وجود دارد، بهره گرفته شود. ایشان در این رابطه توصیه‌های متعددی مانند پرهیز از ورود به فعالیت‌های اقتصادی و تأسیس مؤسسه مالی، لزوم استفاده کارآمد از ظرفیت‌های موجود، لزوم مطالعه درباره استفاده از روش‌های جدید، پرهیز از وابستگی به بودجه دولتی و... است که در طول فصل بیان گردید. اما مهم‌ترین دغدغه‌ای که بزرگان حوزه در این رابطه دارند، این است که مبادا استفاده از حمایت‌های دولت و نظام اسلامی منجر به خدشه به استقلال حوزه‌های علمی گردد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این زمینه هم می‌فرماید استفاده از همین کمک‌های محدود و ضروری نیز نباید منجر به وابستگی حوزه‌های علمی شود و نظام و دولت ضمن اینکه ملزم به حمایت از حوزه هستند، حق دخالت در امور آن را ندارند. از این رو ایشان توصیه مؤکد به استقلال ساختار سازمانی مدیریت حوزه دارند تا منجر به سازمان دولتی شدن حوزه‌های علمی نگردد.

خلاصه نکات مطرح شده را می‌توان در این بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ملاحظه نمود: «نظام به حوزه مدیون است، باید به حوزه‌ها کمک کند در حوزه‌ها هزینه‌هایی وجود دارد که جز با کمک بیت‌المال مسلمین و کمک دولت‌ها امکان ندارد آن هزینه‌ها تحقق پیدا

کند. دولت‌ها موظف‌اند این هزینه‌ها را بدهند، دخالتی هم نباید بکنند. ... حوزه پشتیبانی‌های گوناگون را از سوی نظام می‌پذیرد با عزت و مناعت. این پشتیبانی‌هایی که امروز نظام از حوزه‌های علمیه می‌کند و باید هم بکند و باید هم بیشتر بشود، اینها وظایفی است که دارد. ... نظام اسلامی باید این حمایت‌ها را بکند به دلیل همان پیوندی که گفته شد. پس این مسئله دخالت و استقلال را نبایستی با آن حقایقی که در این باب وجود دارد، مخلوط کرد. همان منطق این گفتار نیز کاملاً مشخص است نظام اسلامی پشتیبان‌هاش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست. علاوه بر اینها که نظام اسلامی برای اداره ملت و کشور نیازمند به حوزه‌هاست» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

منابع و مأخذ

امام خمینی، روح‌الہ (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱.

امینی، علیرضا (۱۳۸۸). از دولت بودجه می‌گیریم ولی مستقل هستیم. در:

<https://www.asriran.com/fa/news/94673>.

بیک خورمیزی، فرزانه (۱۴۰۰). واکاوی تجارب دانشجویان پیام‌نور از فرایند تحصیل در شرایط کرونا به روش تحلیل مضمون (کارشناسی ارشد). گلپایگان: دانشگاه پیام‌نور.

خاتمی، سیداحمد (۱۳۸۸). حوزه علمیه، هست‌ها و بایدها. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

خاتمی، سیداحمد (۱۳۹۱). حمل استقلال حوزه بر قهر با نظام مغالطه است. در:

<https://noo.rs/F1YEn>.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. کلیات برنامه پنج‌ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۳۹۹ - ۱۴۰۳. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. کلیات سند آمایش حوزه‌های علمیه. قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. منشور حوزه‌های علمیه (اصول، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان). قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. نظام جامع شوراهای ستادی، قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی. نظام‌های جامع حوزه‌های علمیه، قم: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۵). حوزه و روحانیت در آیین رهمنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

رجبی، محمود (۱۳۹۱). استقلال حوزه و نسبت آن با نظام اسلامی. در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21648>.

رحیمی مقدم، فائزه (۱۴۰۰). تحلیل مضمون تکنیک‌های رسانه‌ای داعش در القای قدرت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

روستاآزاد، سعید (۱۳۹۷). جایگاه تبلیغات دینی در دفتر. حوزه، ۳۵ (۱۷۸)، ۱۹۰-۱۹۸.

ساور سفلی، محمدابراهیم (۱۳۹۱ «الف»). بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر مقام معظم رهبری بخش اول. حبل‌المتین، پیش شماره ۳، ۹۴-۱۰۶.

ساور سفلی، محمدابراهیم (۱۳۹۱ «ب»). بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر مقام معظم رهبری بخش دوم. حبل‌المتین، ۱ (۱)، ۹۹-۱۱۲.

شب‌زنده‌دار، محمدمهدی (۱۳۹۱). نمی‌توان حکومت اسلامی را منهای حوزه‌های علمیه تصور کرد. در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=21639>.

شورای عالی حوزه‌های علمیه (۱۳۸۹). حوزه و روحانیت در نگاه رهبری از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۸. قم: دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه.

شیخ‌زاده، محمد، و بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). تحلیل مضمون (مفاهیم، رویکردها و کاربردها). تهران: لوگوس.

شیرخانی، علی و شیرخانی، حسین (۱۴۰۱). اصلاح و اصلاح‌گری در حوزه علمیه قم. حوزه، ۱۶ و ۱۷، ۲۲۴-۲۳۵.

صلح‌میرزایی، سعید (۱۳۹۰). حوزه و روحانیت: برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدمسعود، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

عندلیب همدانی، محمد (۱۴۰۰). حوزه مستقل. در:

همو (۱۳۹۸). موقوفات حوزه ازسوی نهادهای مربوطه در اختیار حوزه قرار بگیرد. در:

<http://ijtihadnet.ir/%d8%ad%d9%88%d8%b2%d9%88%db%8c%d8%a7%d9%86-%d8%ac%d8%b0%d8%a8-%d9%81%d8%b1%d9%87%d9%86%da%af-%d8%af%d8%a7%d9%86%d8%b4%da%af%d8%a7%d9%87-%d9%86-%d8%b4%d9%88%d9%86%d8%af-%d9%85%d9%88%d9%82%d9%88%d9%81/>

واعظی، احمد (۱۳۹۶). سه‌گانه تحول در حوزه برای ترسیم حوزه مطلوب. حوزه، ۳۴ (۱۷۶)، ۱۰-۱۵.

هاشمیان، سیدمحمدحسین، و مولائی آرانی، مهدی (۱۳۹۴). الگوی هنجاری مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور از منظر مقام معظم رهبری. دین و سیاست فرهنگی، ۲ (۴)، ۲۳-۴۶.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 77-101.

Braun, V., Clarke, V., & Terry, G. (2021). *Thematic Analysis: A Practical Guide*. SAGE Publications Ltd.

Terry, Gareth, Hayfield, Nikki, Clarke, Victoria & Braun, Virginia (2017). Thematic Analysis. *The SAGE Handbook of Qualitative Research in Psychology*, Sage UK.